

ادموند هوسرل

تأملات دکارتی

مقدمه‌ای بر پدید‌شناسی



نشرنی

۲۹ فصل اول: کلیات و مبانی فلسفه دکارتی

۵۹ فصل دوم: فلسفه دکارتی و فلسفه اسلامی

۷۹ فصل سوم: فلسفه دکارتی و فلسفه غرب

۸۷ فصل چهارم: فلسفه دکارتی و فلسفه معاصر

۱۱۸ فصل پنجم: فلسفه دکارتی و فلسفه آینده

فهرست مطالب

۱۱ پیشگفتار مترجم

۳۱ مقدمه‌ای بر پدیده‌شناسی

۳۱ درآمد

۳۱ § ۱. «تأملات» دکارت به مثابه سرمشق بازگشت فلسفی به خود

۳۴ § ۲. ضرورت بازآغازی ریشه‌ای فلسفه

تأمل اول. راهی به سوی اکوی استعلایی

۳۹ § ۳. انقلاب دکارتی و ایده غایی و هدایت‌کننده بنیان مطلق شناخت

۴۱ § ۴. آشکارسازی معنای غایی علم از طریق «زیستن» آن به مثابه پدیده نوئماتیک

۴۵ § ۵. بدهات و ایده علم اصیل

۴۹ § ۶. اقسام بدهات. ضرورت فلسفی بدهاتی یقینی و فی‌نفسه اولیه

۵۱ § ۷. بدهات وجود جهان، یقینی نیست، و این بدهات می‌تواند مشمول انقلاب دکارتی قرار گیرد

۵۳ § ۸. من اندیشنده به مثابه ذهنیت [سوژکتیویته] استعلایی

۵۸ § ۹. دامنه بدهات یقینی «من هستم»

۶۱ § ۱۰. گریزی از موضوع. دکارت چگونه سمت‌گیری [چرخش] استعلایی را گم کرد

۱۱. من روان‌شناختی و من استعلایی. تعالی جهان ۶۲
- تأمل دوم. آشکارسازی میدان تجربه استعلایی و ساخت‌های کلی آن**
۱۲. ایده یک بنیان استعلایی [برای] شناخت ۶۵
۱۳. ضرورت ترک موقتی مسائل مربوط به دامنه شناخت استعلایی ۶۷
۱۴. جریان وجدانیات، می‌اندیشم و متعلق اندیشه ۷۰
۱۵. تأمل طبیعی و تأمل استعلایی ۷۳
۱۶. گریزی از موضوع. تأمل صرفاً «روان‌شناختی» نیز باید همانند تأمل «استعلایی» از «من می‌اندیشم» آغاز کند ۷۸
۱۷. خصلت دو وجهی پژوهش در آگاهی و تضایف [همبستگی] مسائل آن. جهات توصیف. سنتز به‌مثابه صورت اصلی آگاهی ۸۱
۱۸. شناسایی اینهمانی به‌مثابه صورتی بنیادی از سنتز. سنتز کلی زمان استعلایی ۸۳
۱۹. فعلیت‌ها و امکانات بالقوه زندگی قصدی ۸۷
۲۰. اصالت تحلیل قصدی ۸۹
۲۱. اویژه قصدی به‌مثابه راهنمای استعلایی ۹۴
۲۲. ایده وحدت کلی همه اعیان و مسئله روشن‌سازی تقویمی آن‌ها ۹۸

تأمل سوم. مسائل تقویم، حقیقت و واقعیت

۲۳. تدقیق مفهوم تقویم استعلایی با عناوین «عقل» و «غیرعقل» ۱۰۱
۲۴. بدهت به‌مثابه خود-دادگی و اقسام آن ۱۰۳
۲۵. واقعیت و شبه‌واقعیت ۱۰۴
۲۶. واقعیت به‌مثابه تضایف تصدیق بدیهی ۱۰۵
۲۷. بدهت معمول و بدهت بالقوه و نقش آن‌ها در تقویم معنای «اویژه موجود» ۱۰۶
۲۸. بدهت مفروض تجربه جهان. جهان به‌مثابه تضایف یک بدهت تجربی کامل ۱۰۸
۲۹. مناطق اوتولوژیکی مادی و صورتی به‌عنوان نشانه‌های سیستم‌های استعلایی بدهت‌ها ۱۰۹

- تأمل چهارم. شرح مسائل تقویم خود آگوی استعلایی**
۳۰. تفکیک‌ناپذیری آگوی استعلایی از زیسته‌هایش ۱۱۳
۳۱. «من» به‌مثابه قطب اینهمان زیسته‌ها ۱۱۴
۳۲. من به‌مثابه محل [زیر نهاد] «عادات» ۱۱۵
۳۳. پُری انضمامی من به‌مثابه موند و مسئله خود-تقویمی آن ۱۱۶
۳۴. پرداخت اصول روش پدیده‌شناختی. تحلیل استعلایی به‌مثابه تحلیل ایده‌تیک ۱۱۸
۳۵. گریزی به روان‌شناسی درونی ایده‌تیک [ماهوی] ۱۲۳
۳۶. آگوی استعلایی به‌عنوان عالم صور ممکن زیسته‌ها. قوانین ماهوی که هم-امکانی زیسته‌ها را در همبودی و توالی شان تعیین می‌کنند ۱۲۴
۳۷. زمان به‌مثابه صورت کلی هر تکوین من شناختی ۱۲۶
۳۸. تکوین فعال و منفعل ۱۲۸
۳۹. پیوند به‌مثابه اصل تکوین انفعالی ۱۳۲
۴۰. گذار به مسئله ایده‌آلیسم استعلایی ۱۳۴
۴۱. خود-روشن‌سازی پدیده‌شناختی حقیقی «من می‌اندیشم» به‌مثابه «ایده‌آلیسم استعلایی» ۱۳۶
- تأمل پنجم. تعیین حیطة وجودی استعلایی به‌مثابه بین‌الذهان موندولوژیکی**
۴۲. طرح مسئله تجربه «دیگری» در تقابل با ایراد خود-تنهانگاری [سولپسیسم] ۱۴۳
۴۳. نحوه دادگی نوئماتیکی-اوتنتیکی «دیگری» به‌مثابه راهنمای استعلایی برای نظریه تقویمی تجربه دیگری ۱۴۵
۴۴. تقلیل تجربه استعلایی به حوزه تعلق [حوزه متعلق به آگو] ۱۴۸
۴۵. آگوی استعلایی و خود-ادراکی غیرمستقیم تقلیل‌یافته به حوزه متعلق به من، به‌مثابه انسان روان-تنی ۱۵۶
۴۶. تعلق به‌مثابه حوزه حالات بالفعل و بالقوه جریان زیسته‌های آگاهی ۱۵۸
۴۷. اویژه قصدی نیز متعلق است به حوزه تماماً انضمامی و موندی متعلق به آگو. تعالی حلولی و جهان آغازین ۱۶۲

۱۶۴	§ ۴۸. تعالی جهان عینی به مثابه مرتبه‌ای بالاتر در مقابل تعالی اولیه
۱۶۶	§ ۴۹. طرح مقدماتی روند روشن‌سازی قصدی تجربه «دیگری»
	§ ۵۰. قصدیت با واسطه تجربه «دیگری» به مثابه «حضور غیرمستقیم»
۱۶۸	(ادراک غیرمستقیم از طریق تشبیه)
	§ ۵۱. «جفت‌وجورسازی» به عنوان عنصر تقویم‌کننده تجربه «دیگری» از طریق پیوند معانی
۱۷۳	§ ۵۲. حضور غیرمستقیم به مثابه نوعی تجربه با شیوه مخصوص تصدیق خودش
۱۷۶	§ ۵۳. امکان‌های بالقوه حوزه آغازین و عملکرد تقویمی آن‌ها در ادراک غیرمستقیم «دیگری»
۱۷۹	§ ۵۴. روشن‌سازی معنای حضور غیرمستقیمی که در آن «دیگری» را تجربه می‌کنم
۱۸۱	§ ۵۵. اشتراک موناها و نخستین صورت عینیت: طبیعت بین‌الذهانی
۱۸۴	§ ۵۶. تقویم مراتب بالاتر اشتراک بین مونادی
۱۹۵	§ ۵۷. توضیح توازی میان روشن‌سازی زندگی روانی درونی و روشن‌سازی من‌شناختی-استعلایی
۱۹۸	§ ۵۸. تحلیل قصدی اشتراکات بین‌الذهانی بالاتر و پیوند مسائل آن من و جهان پیرامونش
۱۹۹	§ ۵۹. تبیین اونتولوژیکی و جایگاه آن در کل پدیده‌شناسی تقویمی استعلایی
۲۰۵	§ ۶۰. نتایج مابعدالطبیعی روشن‌سازی تجربه «دیگری» توسط ما
۲۰۹	§ ۶۱. مسائل سنتی مربوط به «سرمنشأ روان‌شناختی» و روشن‌سازی پدیده‌شناختی آن‌ها
۲۱۲	§ ۶۲. خصلت عام روشن‌سازی قصدی تجربه «دیگری»
۲۲۰	نتیجه
۲۲۵	§ ۶۳. ضرورت نقد تجربه و شناخت استعلایی
۲۲۵	§ ۶۴. پایان سخن
۲۲۶	نام‌های خاص
۲۳۳	

پیشگفتار مترجم

در روزهای ۲۳ و ۲۵ فوریه ۱۹۲۹ هوسرل، به دعوت «انجمن مطالعات ژرمنی» و «جامعه فرانسوی فلسفه»، در دانشگاه سوربن پاریس و در تالار دکارت، چهار کنفرانس با عنوان درآمدی بر پدیده‌شناسی استعلایی به زبان آلمانی ایراد کرد. اثری که بعدها تأملات دکارتی نامیده شد ثمره این کنفرانس‌هاست. در آن زمان متن اصلی آلمانی این کنفرانس‌ها منتشر نشد اما در فاصله کوتاهی ترجمه فرانسوی آن‌ها توسط امانوئل لویناس و گابریل پایفر در ۱۹۳۰ آماده و در ۱۹۳۱ انتشار یافت. کویره این ترجمه را به نظر هوسرل رسانده بود و آن‌طور که از نامه او به فلیکس کافمان برمی‌آید از آن «نیمه راضی» بوده است. متن اصلی آلمانی، یعنی متن سخنرانی‌ها که گاه با متن کنونی آلمانی آن که متن رسمی تلقی می‌شود اختلافاتی دارد، گم شد و هرگز پیدا نگردید. از همین رو ترجمه فرانسوی که از روی همین متن گم شده صورت گرفته است متنی «تاریخی» و منحصر به فرد محسوب می‌شود، بخصوص که چاپ نسخه فرانسوی این سخنرانی‌ها سال‌ها قبل از چاپ متن رسمی آلمانی در ۱۹۵۰ (که به کوشش اشتراسر به عنوان جلد اول هوسرلیانا در لاهه و زیر نظر آرشیو هوسرل در لوون انتشار یافت) سبب گردید تا علاقمندان و پژوهشگران

مقدمه‌ای بر پدیده‌شناسی

درآمد

§ ۱. «تأملات» دکارت به‌مثابه سرمشق بازگشت فلسفی به خود

از این‌که به من اجازه داده شد تا در این مکان ارجمند، که جایگاه [شکوفایی]^۱ علم در فرانسه است، درباره پدیده‌شناسی استعلایی سخن بگویم خرسندم، و این خرسندی دلایلی ویژه دارد. زیرا انگیزش‌های نوین پدیده‌شناسی مدیون رنه دکارت، بزرگ‌ترین اندیشمند فرانسه است. در اثر مطالعه تأملات اوست که پدیده‌شناسی در حال تولد به‌گونه نوینی از فلسفه استعلایی تبدیل شده است. می‌توان این فلسفه را کمابیش نوعی نو-دکارت‌گرایی^۲ نامید، به این دلیل مشخص که بعضی از مضامین دکارتی را به‌نحو ریشه‌ای تکامل داده است؛ هر چند به‌ناچار تقریباً کل محتوای آموزه‌ای شناخته‌شده دکارتی را کنار نهاده است.

در این شرایط گمان می‌کنم اگر از بین مضامین تأملاتی درباره فلسفه اولی آن‌هایی را برگزینم که به گمان من از اهمیتی همیشگی برخوردارند، و سپس برای مشخص کردن دگرگونی‌ها و نوآوری‌هایی که روش و مسائل

۱. افزوده متن فرانسه.

یک ایده غایی موجه، یک هدف ممکن برای عملکردی ممکن است؟ آشکار است که مجاز نیستیم در بدو امر این ایده را بپذیریم تا چه رسد که بتوانیم پیشاپیش معیاری را به رسمیت بشناسیم که اداره کننده سبک و سیاق^۱ به اصطلاح بدیهی^۲ منتسب به علم اصیل باشد. این امر مستلزم فرض قبلی یک نظام منطقی کامل و یک نظریه کامل درباره علم است، درحالی که خود این‌ها نیز باید به نوبه خود مضمون و ازگونی [دکارتی]^۳ کلیه علوم قرار گیرند. خود دکارت پیشاپیش یک ایده آل علمی، یعنی ایده آل علم هندسه یا به عبارت دقیق تر علم طبیعت ریاضی^۴ را برای خود تعیین کرده بود. این ایده آل به عنوان یک پیشداوری طی قرن‌ها تأثیری مصیبت بار برجا نهاده بود و چون دکارت آن را بدون نقادی قبلی پذیرفت تأملات او نیز از این تأثیر مصون نماند. در نظر دکارت از همان آغاز بدیهی بود که علم کلی باید به شکل نظامی استنتاجی باشد که کل بنای آن با نظمی هندسی^۵ بر بنیانی از اصول موضوعه به عنوان شالوده مطلق استنتاج استوار گردد. برای دکارت اصل موضوعه یقین مطلق اگو و اصول موضوعه فطری آن همان نقشی را نسبت به علم کلی ایفا می کنند که اصول موضوعه هندسی در هندسه ایفا می کنند. با این تفاوت که در اینجا بنیان از هندسه نیز عمیق تر است، و حتی از آن برای تأسیس بنیان نهایی خود علم هندسه استفاده می شود.

اما هیچ کدام از این چیزها نباید ما را تحت تأثیر قرار دهد. ما به عنوان فیلسوفانی که هنوز نقطه آغاز حرکت خویش را جست وجو می کنیم هیچ گونه ایده آل علمی هنجارگونه را معتبر نمی شماریم؛ و فقط وقتی می توانیم چنین ایده آلی داشته باشیم که خودمان آن را از نو بسازیم.

1. Stilform – Structure – Style

۲. در متن فرانسه: طبیعی.

4. mathematischen Naturwissenschaft – la physique mathématique – mathematical natural science

5. ordino geometrico

اما این امر سبب نمی شود که از هدف کلی خود یعنی فراهم کردن بنیانی مطلق برای علوم چشم پوشی کنیم. این هدف، همان طور که در تأملات دکارتی عمل می کرد، همواره مسیر تأملات ما را انگیزش خواهد بخشید^۱، و با پیشروی ما گام به گام دقیق تر و مشخص تر خواهد شد. اما باید در نحوه تعیین آن به عنوان هدف محتاط بود و فعلاً از پیشداوری درباره امکان آن اجتناب کرد. اما اکنون چگونه این نحوه تعیین هدف را روشن و بدین وسیله آن را تثبیت کنیم؟

طبیعی است که ما ایده کلی علم را از علوم موجود به وام گرفته ایم. لیکن در رویکرد نقد ریشه ای مان این علوم به علوم صرفاً محتمل^۲ [فرضی] تبدیل شده اند. بنابراین ایده غایی کلی آن‌ها نیز باید به همین معنا محتمل و فرضی باشد. بنابراین هنوز نمی دانیم آیا به طور کلی تحقق پذیر است یا نه. با این حال ما این ایده را به صورت یک احتمال و به عنوان کلیتی مواج و نامتعیین، و نیز ایده یک فلسفه را، بی آن که از تحقق پذیری و نحوه تحقق پذیری آن آگاه باشیم، دارا هستیم. ما این ایده را به عنوان فرضی مقدماتی و آزمایشی برای هدایت خویش در تأملات مان می پذیریم و امکان و قابلیت تحقق آن را می سنجیم. یقیناً بدین ترتیب در آغاز به دشواری های عجیبی گرفتار می شویم، اما اگر بناست ریشه گرایی ما عملی شود و ادعایی صرف باقی نماند نمی توان از این دشواری ها اجتناب کرد. پس راه خویش را صبورانه ادامه دهیم.

§ ۴. آشکارسازی معنای غایی علم از طریق «زیستن» آن

به مثابه پدیده نوئماتیک^۳

در وهله اول باید به تدقیق ایده هدایت کننده ای پردازیم که در آغاز فقط با

۱. در متن فرانسه: جهت خواهد بخشید.

2. vermeinten – hypothétique – alleged

3. noematisches phänomen – phénomène noématique – noematic phenomenon